

Criminal law doctrines of Islamic countries

<https://diplic.qom.ac>



The Scope of the Actus reus of Fraud in Iran, Egypt, Jordan, Lebanon and Algeria

Ahmad Saberi Majd¹

PhD in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology, College of Farabi,
University of Tehran, Iran, Qom

Abstract

The offence of fraud, as one of the significant offences against property and ownership, has been a challenge to legal systems. The complexity and diversity of fraudulent methods in this offence double the necessity of a precise understanding of its elements, particularly the *actus reus*. This research, with the aim to analyze the scope of the *actus reus* of fraud in the laws of Iran, Egypt, Jordan, Lebanon and Algeria, it examines the constituent components of this element and compares them across these legal systems and the main issue is the precise analysis of the *actus reus* of the offence of fraud. The present study has conducted by using a descriptive-analytical method and used library tools. The findings of this research indicate that in all these legal systems, resorting to fraudulent means, deceiving the victim and obtaining illegal property are recognized as the main components of the *actus reus* of the offence of fraud. It is suggested that in Iranian law, the definition of "delivery of property" be revised to include the transfer of rights and financial benefits, and also considering both subjective and objective criteria, a specific criterion for deception be adopted.

Keywords: offence of fraud, *actus reus*, the law islamic countries, fraudulent methods, criminal result, delivery of property.

Received: 06/09/2024

Accepted: 15/11/2024

How To Cite: Saberi Majd, A, (2024). The Scope of the Actus reus of Fraud in Iran, Egypt, Jordan, Lebanon and Algeria, *Criminal law doctrines of Islamic countries*, 1(4), 89-112.

doi.org/ 10.22091/dclic.2024.11312.1027

Published by: University of Qom

©The Author(s)

Article type: Research



قلمرو عنصر مادی کلاهبرداری در ایران، مصر، اردن، لبنان و الجزایر

احمد صابری مجد^۱

دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، ایران، قم.
رایانامه: ahmad.saberimajd@ut.ac.ir

چکیده

جرم کلاهبرداری به‌عنوان یکی از جرائم مهم علیه اموال و مالکیت، همواره چالشی برای نظام‌های حقوقی بوده است. پیچیدگی و تنوع روش‌های متقلبانه در این جرم، لزوم شناخت دقیق ارکان آن، به‌ویژه رکن مادی را دوچندان می‌کند. این پژوهش با هدف تحلیل قلمروی رکن مادی جرم کلاهبرداری در حقوق ایران، مصر، اردن، لبنان و الجزایر به بررسی عناصر تشکیل‌دهنده این رکن و مقایسه آن‌ها در این نظام‌های حقوقی می‌پردازد و مسئله اصلی آن، تحلیل دقیق رکن مادی جرم کلاهبرداری است. جستار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته و از ابزار کتابخانه‌ای استفاده کرده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد در تمامی این نظام‌های حقوقی، توسل به وسایل متقلبانه، فریب قربانی و تحصیل مال نامشروع به‌عنوان عناصر اصلی رکن مادی جرم کلاهبرداری شناخته می‌شوند. پیشنهاد می‌شود در حقوق ایران، تعریف «تسلیم مال» بازنگری شده و شامل انتقال حقوق و منافع مالی نیز بشود و همچنین معیار مشخصی برای فریب با در نظر گرفتن معیارهای شخصی و نوعی اتخاذ گردد.

کلیدواژه‌ها: جرم کلاهبرداری، عنصر مادی، حقوق کشورهای اسلامی، روش‌های متقلبانه، نتیجه مجرمانه، تسلیم مال.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۶

استناد: صابری مجد، احمد، (۱۴۰۳). قلمرو عنصر مادی کلاهبرداری در ایران، مصر، اردن، لبنان و الجزایر، *آموزه‌های حقوق کیفری کشورهای اسلامی*، ۱ (۴)، ۸۹-۱۱۲.

doi.org/10.22091/dcllic.2024.11312.1027

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم

مقدمه

جرم کلاهبرداری به عنوان یکی از جرائم مهم علیه اموال و مالکیت، همواره در جوامع مختلف مورد توجه قانون‌گذاران و حقوقدانان بوده است. پیچیدگی و تنوع روش‌های متقلبانه در این جرم، لزوم شناخت دقیق ارکان آن و تطبیق قوانین با تحولات اجتماعی را دوجندان می‌کند. در این میان، رکن مادی کلاهبرداری، به عنوان عنصر اصلی تحقق این جرم، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا تعیین دقیق رفتارهای مجرمانه و شرایط تحقق آن‌ها، می‌تواند در پیشگیری از وقوع جرم و تعقیب و مجازات مؤثر کلاهبرداران نقش بسزایی داشته باشد. این پژوهش با هدف تحلیل قلمروی رکن مادی جرم کلاهبرداری در حقوق پنج کشور اسلامی ایران، مصر، اردن، لبنان و الجزایر، به بررسی عناصر تشکیل‌دهنده این رکن پرداخته است.

مسئله اصلی این پژوهش، تحلیل رکن مادی جرم کلاهبرداری در کشورهای اسلامی است که زوایای دقیق چنین جرمی را مورد واکاوی قرار دهد. بررسی و تحلیل قلمروی رکن مادی جرم کلاهبرداری در حقوق این کشورها، از چند جهت حائز اهمیت است. نخست، این بررسی می‌تواند به شناخت دقیق‌تر از عناصر تشکیل‌دهنده رکن مادی این جرم، از جمله فعل مجرمانه (روش‌های متقلبانه)، نتیجه مجرمانه (تحصیل مال نامشروع) و رابطه سببیت بین آن‌ها، کمک کند. دوم، اینکه با شناسایی نحوه مواجهه موجود در قوانین این کشورها، می‌توان به سوی هماهنگی قوانین در سطح منطقه‌ای حرکت کرد که این امر به مقابله کیفری مؤثرتر کلاهبرداران کمک خواهد کرد. مطالعات پیشین، عمدتاً به بررسی تطبیقی ارکان جرم کلاهبرداری در نظام‌های حقوقی ایران با سایر کشورها پرداخته‌اند، همچون حبیب‌زاده (۱۳۷۵) در مقاله‌ای با عنوان «کلاهبرداری در حقوق تطبیقی» و عریمش ساعدی (۱۳۹۶) در پایان‌نامه‌های خود با عنوان «بررسی تطبیقی جرم کلاهبرداری در حقوق ایران و عراق». نوآوری این پژوهش در مقایسه با مطالعات پیشین، در تمرکز خاص بر رکن مادی جرم کلاهبرداری و بررسی تطبیقی آن در چهار کشور اسلامی مصر، اردن، لبنان و ایران است. همچنین، این پژوهش با بررسی دقیق‌تر و موشکافانه‌تر، به شناسایی جزئیات بیشتری از تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در این زمینه پرداخته است تا گامی فراتر از مطالعات پیشین برای مقابله با این جرم بردارد.

۱. مفهوم جرم کلاهبرداری

جرم کلاهبرداری در قانون مجازات مصر مصوب ۱۹۳۷ (ماده ۳۳۶)، قانون مجازات الجزایر مصوب ۱۹۶۶ (ماده ۳۷۲)، قانون مجازات لیبی (ماده ۴۶۱)^۱ از آن به «نصب» تعبیر شده است. قوانین دیگر کشورهای اسلامی از این جرم با عنوان «احتیال» نام برده‌اند، همچون قانون مجازات اردن مصوب ۱۹۶۰ (ماده ۴۱۷)، قانون مجازات لبنان مصوب ۱۹۴۳ (ماده ۶۵۵)، قانون مجازات سوریه مصوب ۱۹۴۹ (ماده ۶۴۱)، قانون مجازات عراق مصوب ۱۹۶۹ (ماده ۴۵۶). کلاهبرداری در اصطلاح حقوقی، تجاوزی به حق مالکیت است که با فریب قربانی به تسلیم مال خود به کلاهبردار صورت می‌گیرد (حسنی، ۱۹۸۴: ۲۱۱). این فریب می‌تواند از طریق روش‌های مختلفی از جمله القای وجود یک پروژه یا واقعه جعلی، ایجاد امید به سود یا بازپرداخت واهی، یا استفاده از اسناد جعلی صورت گیرد (القهوجی و الشاذلی، ۲۰۰۳: ۳۳۸؛ ابوالروس، ۱۹۸۶: ۳۴؛ السعید، ۲۰۰۳: ۱۹۸؛ عبید، ۱۹۶۰: ۳۵۳؛ بکر، ۱۹۷۷: ۸۷). کلاهبرداری همچنین می‌تواند شامل استفاده از نام یا عنوان جعلی برای فریب قربانی باشد (الجبور، ۱۹۹۷: ۱۷۶). در حقوق ایران، کلاهبرداری به عنوان بردن مال دیگری از طریق توسل به وسایل یا عملیات متقلبانه تعریف شده است (میر محمد صادقی، ۱۳۸۵: ۵۱؛ گلدوزیان، ۱۳۸۳: ۳۱۸).

با توجه به تعاریف ارائه شده از کلاهبرداری در نظام‌های حقوقی مختلف، می‌توان کلاهبرداری را این گونه تعریف نمود: «تصاحب غیرقانونی مال متعلق به دیگری، از طریق توسل به وسایل متقلبانه با قصد فریب قربانی او به تسلیم مال». این تعریف جامعیت لازم را دارد، زیرا هم به عنصر مادی جرم، یعنی تصاحب مال دیگری و هم به عنصر معنوی آن، یعنی قصد فریب و سوءنیت اشاره می‌کند. همچنین، با تأکید بر استفاده از «وسایل متقلبانه» این تعریف، روش‌های مختلف فریب را که ممکن است در کلاهبرداری به کار گرفته شوند، در برمی‌گیرد؛ خواه این وسایل شامل ادعاهای دروغین، صحنه‌سازی، استفاده از نام یا عنوان جعلی، یا هر روش دیگری باشد که منجر به گمراهی قربانی شود (عبدالستار، ۱۹۸۲: ۱۶۴؛ ابوخطوه، ۱۹۹۴: ۱۹۴؛ المشهدانی، ۲۰۰۱: ۲۹۶؛ وزیر، ۱۹۹۳: ۳۴۹). به علاوه، این تعریف با تأکید بر «فریب قربانی به تسلیم مال»، نشان می‌دهد که کلاهبرداری تنها با فریب دادن قربانی محقق نمی‌شود، بلکه باید این فریب منجر به یک عمل مثبت از سوی قربانی شود که مال خود را به کلاهبردار تسلیم کند. درنهایت، این تعریف با توجه به اینکه دربردارنده عناصر اصلی

۱. المادة (۴۶۱): النصب: كل من حصل على نفع غير مشروع لنفسه أو للغير أضّر أرأر بأخريين باستعمال طرق احتيالية أو بالتصرف في مال ثابت أو منقول ليس ملكاً له ولا له حق التصرف فيه أو باتخاذ اسم كاذب أو صفة غير صحيحة، يعاقب بالحبس وبغرامة لا تتجاوز خمسين جنيتهاً. وتكون العقوبة السجن مدة لا تتجاوز خمس سنوات إذا وقع الفعل إضاراً بالدولة أو بأية هيئة عمومية أخرى.

جرم کلاهبرداری است و با تعاریف ارائه شده در نظام‌های حقوقی مختلف سازگاری دارد، می‌تواند به‌عنوان یک تعریف ارجح در نظر گرفته شود.

۲. رفتار مجرمانه کلاهبرداری

در حقوق کشورهای عربی، در مورد نام‌گذاری فعل مجرمانه کلاهبرداری میان حقوق‌دانان کشورهای اسلامی اختلاف نظر وجود دارد. برخی آن را «فعل کلاهبرداری»، برخی «فرب» و برخی دیگر «تدلیس» می‌نامند (السعيد، ۲۰۰۳: ۱۷۷). با این حال، این اختلاف در نام‌گذاری به معنای اختلاف در مفهوم آن نیست. این فعل به‌عنوان «تحریف حقیقت در مورد یک موضوع که منجر به افتادن در اشتباه می‌شود» تعریف شده است (حسنی، ۱۹۷۲: ۲۱۶). این به این معناست که جوهر فعل کلاهبرداری دروغ گفتن است که منجر به ایجاد سردرگمی در باور و تفکر فرد می‌شود و او را به باور چیزی که حقیقت ندارد، سوق می‌دهد.

قوانین تطبیقی مفهوم فعل کلاهبرداری را تعریف نکرده‌اند، اما ابزارهای آن را توضیح داده‌اند. برخی قوانین، ابزارهای کلاهبرداری را به دو ابزار محدود کرده‌اند، قانون‌گذار الجزایر (ماده ۳۷۲)^۱ این رویکرد را اتخاذ کرده‌اند. قانون‌گذار مصر نیز علاوه بر این ابزارها کلاهبرداری از طریق تصرف در اموال منقول یا غیرمنقول متعلق به دیگران (ماده ۳۳۶).^۲ در مورد قوانین جزای لبنان (ماده ۶۵۵)^۳ رویکردهای حقوقی در تعیین تعداد ابزارهای کلاهبرداری متفاوت بوده است و این اختلاف نظر در بررسی قانون جزای لبنان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. المادة ۳۷۲: كل من توصل إلى استلام أو تلقي أموال أو منقولات أو سندات أو تصرفات أو أوراق مالية أو وعود أو مخالصات أو إبراء من التزامات أو إلى الحصول على أي منها أو شرع في ذلك وآن ذلك بالاحتيال لسلب آل ثروة الغير أو بعضها أو الشرع فيه إما باستعمال أسماء أو صفات آذبة أو سلطة خيالية أو اعتماد مالي خيالي أو بإحداث الأمل في الفوز بأى شيء أو في وقوع حادث أو أية واقعة أخرى وهمية أو الخشية من وقوع أى شيء منها يعاقب بالحبس من سنة على الأقل إلى خمس سنوات على الأثر وبغرامة من ۵۰۰ إلى ۲۰۰۰ دينار

۲. المادة ۳۳۶: يعاقب بالحبس كل من توصل إلى الاستيلاء على نقود أو عروض أو سندات دين أو سندات مخالصة أو أى متاع منقول وكان ذلك بالاحتيال لسلب كل ثروة الغير أو بعضها إما باستعمال طرق احتيالية من شأنها إيهام الناس بوجود مشروع كاذب أو واقعة مزورة أو إحداث الأمل بحصول ربح وهمي أو تسديد المبلغ الذى أخذ بطريق الاحتيال أو إيهامهم بوجود سند دين غير صحيح أو سند مخالصة مزور وإما بالتصرف فى مال ثابت أو منقول ليس ملكاً له ولا له حق التصرف فيه وإما باتخاذ اسم كاذب أو صفة غير صحيحة، أما من شرع فى النصب ولم يتممه فيعاقب بالحبس مدة لا تتجاوز سنة.

۳. المادة-۶۵۵: معادلة وفقاً للمرسوم الاشتراعى ۱۱۲ تاريخ ۱۶/۹/۱۹۸۳ والقانون ۲۳۹ تاريخ ۲۷/۵/۱۹۹۳ كل من حمل الغير بالمناورات الاحتيالية على تسليمه مالاً منقولاً أو غير منقول أو أسناداً تتضمن تعهداً أو إبراء أو منفعة واستولى عليها يعاقب بالحبس من ستة أشهر إلى ثلاث سنوات وبالعقوبة وبالغرامة من مئة ألف إلى مليون ليرة. وتعتبر من المناورات الاحتيالية: - الأعمال الآتى من شأنها إيهام المجنى عليه بوجود مشروع وهمي أو آلتى تخلق فى ذهنه أملاً بربح أو تخوفاً من ضرر. ۲. تلفيق أكذوبة يصدقها المجنى عليه نتيجة تأييد شخص ثالث ولو عن حسن نية أو نتيجة ظرف مهد له المجرم أو ظرف استفاد منه. ۳. التصرف بأموال منقولة أو غير منقولة ممن ليس له حق أو صفة للتصرف بها أو ممن له حق أو صفة للتصرف فأساء استعمال حقه توسلاً لا بتناز المال. ۴. استعمال اسم مستعار أو صفة كاذبة للمخادعة والتأثير. ويطبق العقاب نفسه فى محاولة ارتكاب هذا الجرم.

مطرح شده است. یک رویکرد معتقد است که قانون جزای لبنان، ابزارهای کلاهبرداری را به پنج مورد محدود کرده است که به صراحت در ماده ۶۵۵ ذکر شده‌اند:

۱. استفاده از حيله‌ها؛
۲. جعل دروغی که توسط شخص ثالث با حسن نیت تأیید شده باشد؛
۳. جعل دروغی که توسط کلاهبردار با ایجاد شرایط یا سوءاستفاده از شرایط تأیید شده باشد؛
۴. تصرف کلاهبردار در اموال منقول یا غیرمنقول در حالی که می‌داند صلاحیت تصرف در آنها را ندارد؛
۵. استفاده از نام مستعار یا عنوان جعلی.

رویکرد دیگری، ابزارهای کلاهبرداری را به سه مورد محدود می‌کند:

۱. استفاده از حيله‌ها، از طریق جعل دروغی که توسط شخص ثالث یا شرایط ایجاد شده یا سوءاستفاده شده توسط کلاهبردار، تأیید شده باشد؛
 ۲. تصرف در مالی که کلاهبردار می‌داند صلاحیت تصرف در آن را ندارد؛
 ۳. استفاده از نام مستعار یا عنوان جعلی.
- در حالی که قانون‌گذار اردن در ماده ۴۱۷،^۱ ابزارهای کلاهبرداری را به سه مورد محدود کرده است:

۱. استفاده از روش‌های متقلبانه؛
 ۲. تصرف در اموال منقول یا غیرمنقول؛
 ۳. استفاده از نام یا عنوان جعلی.
- در حقوق ایران نیز، قانون‌گذار در ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷، پس از ذکر چند مصداق از وسایل متقلبانه، با استفاده از عبارت «یا وسایل تقلبی دیگر»، تشخیص مصداق دیگر را به عرف واگذار کرده است. بنابراین، در حقوق ایران، طرق متقلبانه حصری نیستند و هر وسیله‌ای که عرفاً متقلبانه محسوب شود، می‌تواند موجب تحقق جرم کلاهبرداری گردد (حبیب زاده، ۱۳۷۴: ۶۶).

۱. المادة ۴۱۷: كل من حمل الغير على تسليمه مالا منقولاً أو غير منقول أو أسناداً تتضمن تعهداً أو إبراء فاستولى عليها احتيلاً؛
۱- باستعمال طرق احتيالية من شأنها إيهام المجنى عليه بوجود مشروع كاذب أو حادث أو أمر لا حقيقة له أو إحداث الأمل عند المجنى عليه بحصول ربح وهمي أو بتسديد المبلغ الذي أخذ بطريق الاحتيال أو الإيهام بوجود سند دين غير صحيح أو سند مخالصة مزور، أو
۲- بالتصرف في مال منقول أو غير منقول وهو يعلم أن ليس له صفة للتصرف به أو
۳- باتخاذ اسم كاذب أو صفة غير صحيحة: عوقب بالحبس من ثلاثة أشهر إلى ثلاث سنوات وبالغرامة من خمسة دنانير إلى خمسين ديناراً.

۳. روش‌های متقلبانه و اغفال‌کننده

در قوانین، مفهوم «روش‌های متقلبانه» را که با استفاده از آن‌ها جرم کلاهبرداری محقق می‌شود، تعریف نشده است؛ زیرا تعریف این روش‌ها مانع از درک کامل تمامی شیوه‌های فریب و نیرنگی می‌شود که اساس جرم کلاهبرداری را تشکیل می‌دهد. احصا این روش‌ها دشوار است، چراکه آن‌ها به موازات تحولات زندگی اجتماعی، اقتصادی و اختراعات علمی، دائماً در حال تغییر و تحول هستند. به همین دلیل، در برخی از قوانین به صراحت تنها به ذکر عبارت «استفاده از روش‌های متقلبانه» اکتفا کرده است. با این حال، روش‌های متقلبانه به‌عنوان وقایع خارجی یا اعمال مادی تعریف می‌شوند که دروغ مجرم را تأیید کرده و ادعاها و سخنان او را موجه جلوه می‌دهند (السعید، ۲۰۰۳: ۱۸۵). روش‌های متقلبانه یکی از عناصر اساسی تشکیل‌دهنده رکن مادی جرم کلاهبرداری هستند و استفاده از آن‌ها توسط مجرم یک عمل اجرایی محسوب می‌شود. بنابراین، دادگاه بدوی موظف است در حکم محکومیت به جرم کلاهبرداری، روشی را که مجرم برای تصاحب مال دیگری به کار برده است، مشخص کند. در صورتی که حکم فاقد این توضیح باشد، ناقص بوده و نقض آن لازم است (نقض مصری، ۱۹۷۲/۲/۱۹: ۲۶۶). این روش‌ها با یکی از موارد زیر محقق می‌شوند: ادعای دروغین و پشتیبانی از این دروغ با ظواهر خارجی.

در حقوق کیفری، دروغ به‌عنوان قلب حقیقت یا بیان امری خلاف واقع تعریف می‌شود (السعید و نجم، ۱۹۸۵: ۱۷۸ و ۱۸۹). این عنصر، جوهره جرم کلاهبرداری را تشکیل می‌دهد و می‌تواند به صورت شفاهی، کتبی، چاپی و حتی با اشاره باشد، به شرطی که برای قربانی قابل درک بوده و او را به اشتباه بیندازد (سرور، ۲۰۰۳: ۸۰۹). با این حال، دروغ به تنهایی برای تحقق جرم کلاهبرداری کافی نیست و باید با ظواهر خارجی همراه باشد تا بتواند قربانی را فریب دهد (حسینی و نمور، ۲۰۰۷: ۲۲۶ و ۲۲۸). این ظواهر خارجی می‌توانند واقعی یا ساختگی باشند؛ اما در هر صورت، باید به گونه‌ای باشند که ادعای دروغین مجرم را تأیید کرده و او را موجه جلوه دهند. به‌عنوان مثال، فردی که با اجاره یک دفتر کار، استخدام منشی و نصب تابلو، خود را مدیر یک شرکت موفق معرفی می‌کند و از این طریق اقدام به کلاهبرداری می‌نماید، از ظواهر خارجی برای فریب قربانی استفاده کرده است.

در مقابل، کتمان یا پنهان کردن حقیقت، به تنهایی برای تحقق جرم کلاهبرداری کافی نیست، حتی اگر این کتمان در مورد یک واقعیت مهم باشد و قربانی راه دیگری برای آگاهی از آن نداشته باشد و حتی اگر قانوناً شخص مکلف به افشای حقیقت باشد (حسینی، ۱۹۷۲: ۲۳۱). به عبارت دیگر، صرف

خودداری از آگاه کردن قربانی از حقیقت، بدون انجام هیچ اقدام فریبکارانه دیگری، کلاهبرداری محسوب نمی‌شود. درنهایت، معیار ارزیابی شدت دروغ و تأثیر آن بر قربانی، یکی از موضوعات مورد اختلاف در حقوق کشورهای عربی است. برخی معتقدند که معیار، یک شخص معمولی با هوش و فراست متوسط است و اگر قربانی به دلیل ساده‌لوحی فریب خورده باشد، جرم کلاهبرداری محقق نمی‌شود (السعيد، ۲۰۰۳: ۱۸۲). در مقابل، برخی دیگر معتقدند که معیار، خود قربانی است و اگر دروغ به گونه‌ای باشد که بتواند او را فریب دهد، جرم کلاهبرداری محقق می‌شود، حتی اگر افراد دیگر باهوش‌تر فریب نخورند (حسنی، ۱۹۷۲: ۲۲۲).

جلوه‌های ظاهری، نقش مهمی در کلاهبرداری دارند، زیرا به دروغ‌های مجرم اعتبار می‌بخشند و قربانی را فریب می‌دهند (حسنی، ۱۹۸۴: ۲۳۱). این جلوه‌ها می‌توانند شامل اشیاء، رفتارها یا حتی سوءاستفاده از موقعیت‌های واقعی باشند تا تصویری غلط ایجاد کنند. برای تحقق جرم کلاهبرداری، این جلوه‌ها باید مستقل از ادعاهای کلامی مجرم بوده و به آن‌ها اعتبار ببخشند. به عنوان مثال، فردی که با تظاهر به مالکیت یک شرکت، دیگران را فریب می‌دهد، از جلوه‌های ظاهری برای حمایت از دروغ خود استفاده می‌کند. در حقوق ایران نیز، استفاده از وسایل متقلبانه، از ارکان اصلی جرم کلاهبرداری است و می‌تواند شامل هرگونه صحنه‌سازی یا تظاهر به اموری غیرواقعی باشد که موجب فریب قربانی و بردن مال او شود؛ به شرطی که این وسایل متقلبانه، مستقل از ادعاهای کلامی مجرم باشند و به آن‌ها اعتبار ببخشند.

روش‌های متقلبانه، وقایعی است که دروغ بر آن‌ها متمرکز می‌شود و مجرم سعی در متقاعد کردن قربانی نسبت به آن‌ها دارد. قوانین تطبیقی در تعریف این هدف‌ها با یکدیگر اختلاف دارند؛ برخی قوانین، روش‌های متقلبانه را مشخص نکرده‌اند، مانند قانون مجازات عراق (ماده ۴۵۶)،^۱ عمان (ماده ۲۸۸)،^۲ لیبی (ماده ۴۶۱) (عبدالفتاح، ۲۰۰۸: ۴۲). در مقابل، برخی دیگر از قوانین، روش‌های متقلبانه را مشخص کرده‌اند؛ مانند قانون مجازات فرانسه (ماده ۴۰۵)، الجزایر (ماده ۳۷۲)، مصر (ماده ۳۳۶) و

۱. ماده ۴۵۹: ۱. يعاقب بالحبس كل من توصل الى تسليم او نقل حيازة مال منقول مملوك للغير لنفسه او الى شخص آخر وذلك باحدى الوسائل التالية:

أ . باستعمال طرق احتيالية. ب — باتخاذ اسم كاذب او صفة غير صحيحة او تقرير امر كاذب عن واقعة معينة متى كان من شأن ذلك خدع المجنى عليه وحمله على التسليم.

ب. و يعاقب بالعقوبة ذاتها كل من توصل باحدى الطرق السابقة الى حمل آخر على تسليم او نقل حيازة سند موجد لدين او تصرف فى مال او ابراء او على أى سند آخر يمكن استعماله لاثبات حقوق الملكية او أى حق عيني آخر. او توصل باحدى الطرق السابقة الى حمل آخر على توقيع مثل هذا السند او الغائه او اتلافه او تعديله.

۲. المادة ۲۸۸: بالسجن من ثلاثة أشهر إلى سنتين وبالعقوبة من عشرة ريالات إلى ثلاثمائة كل من حصل من الغير على نفع غير مشروع لنفسه أو للآخرين باستعماله إحدى الطرق الاحتياطية.

اردن (ماده ۴۱۷) (عبدالفتاح، ۲۰۰۸: ۴۲). در قوانین کیفری کشورهای اسلامی، هدف از روش‌های متقلبانه در جرم کلاهبرداری، فریب قربانی و تحصیل مال او به صورت نامشروع است. با این حال، برخی حقوقدانان این رویکرد را نقد می‌کنند و معتقدند که چنین محدودیتی می‌تواند منجر به فرار کلاهبرداران از مجازات شود، زیرا آن‌ها ممکن است از روش‌های متقلبانه جدیدی استفاده کنند که قابل محدودسازی نباشد (الصیفی، ۱۹۷۲: ۴۱۰). در مقابل، برخی دیگر معتقدند که این روش‌های متقلبانه به قدری گسترده و انعطاف‌پذیر هستند که می‌توانند هر آنچه کلاهبرداران برای فریب قربانیان خود استفاده می‌کنند را شامل شوند (سرور، ۱۹۸۵: ۸۹۸).

در حقوق ایران نیز، قانون‌گذار در ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷، هدف از روش‌های متقلبانه را به صورت کلی بردن مال غیر بیان کرده است و پس از ذکر چند مصداق از وسایل متقلبانه، با استفاده از عبارت «یا وسایل تقلبی دیگر»، تشخیص مصداق دیگر را به عرف واگذار کرده است. بنابراین، در حقوق ایران، طرق متقلبانه حصری نیست و هر وسیله‌ای که عرفاً متقلبانه محسوب شود و منجر به فریب قربانی و بردن مال او شود، می‌تواند موجب تحقق جرم کلاهبرداری گردد؛ به شرط آنکه منجر به فریب قربانی و بردن مال او شود.

روش‌های متقلبانه به طرقی در جرم کلاهبرداری ظهور پیدا می‌کند:

القای وجود یک پروژه دروغین: این به معنای القای وجود کاری است که درواقعیت وجود ندارد و هیچ برنامه جدی برای اجرای آن وجود ندارد (القهوجی و الشاذلی، ۲۰۰۳: ۳۳۸).

القای وجود یک واقعه جعلی (غیرواقعی): «واقعه» به هر تغییری اطلاق می‌شود که در یکی از موقعیت‌ها یا شرایط موجود رخ دهد و واقعه جعلی، وقوع امری خلاف واقع است (ابوالروس، ۱۹۸۶: ۳۴).

ایجاد امید به کسب سود واهی: این به معنای فریب دادن قربانی با احتمال کسب سود در آینده است و تنها به سود مادی محدود نمی‌شود، بلکه مفهوم آن به هرگونه منفعت مادی یا معنوی گسترش می‌یابد (السعید، ۲۰۰۳: ۱۹۸).

ایجاد امید به بازپرداخت مبلغ اخذ شده از طریق کلاهبرداری: این امر با این کار محقق می‌شود که قربانی تصور کند که مال خود را که به مجرم تحویل داده است، پس خواهد گرفت (عبید، ۱۹۶۰: ۳۵۳).

القای وجود یک سند بدهی نامعتبر یا یک سند تسویه جعلی: مانند زمانی که مجرم سندی جعلی را به قربانی ارائه می‌دهد و او را متقاعد می‌کند که به اندازه ارزش آن سند بدهکار است، یا زمانی که طلبکار به بدهکار خود القا می‌کند که یک سند تسویه به نفع او صادر کرده است تا او را به پرداخت بدهی وادار کند؛ اما پس از پرداخت بدهی، مشخص می‌شود که سند شامل تسویه نبوده یا بدون امضای طلبکار بوده است (بکر، ۱۹۷۷: ۸۷).

وسیله مهم برای تحقق جرم کلاهبرداری، استفاده از نام یا عنوان جعلی است (الجبور، ۱۹۹۷: ۱۷۶). این یک روش مستقل از سایر روش‌های متقلبانه است و نباید با آن‌ها همراه باشد. برای تحقق این روش، شرایط زیر لازم است:

۱. ادعای نام یا عنوانی که منجر به فریب و تسلیم مال شود. ارزیابی اینکه آیا یک نام یا عنوان منجر به فریب شده است، یک مسئله عینی است که قاضی به آن رسیدگی می‌کند؛
۲. مجرم باید یک عمل مثبت انجام دهد تا نام یا عنوان جعلی را به خود نسبت دهد (الکردی، ۲۰۰۰: ۳۰۲)؛
۳. ادعا نباید آشکارا دروغ باشد، به طوری که فردی با درک معمولی متوجه کذب آن شود (الکردی، ۲۰۰۰: ۳۰۳).

اسم دروغین، نامی غیر از نام واقعی متهم است و فرقی نمی‌کند که انتساب این نام به یک شخص واقعی شناخته شده باشد یا به شخصی که اصلاً وجود ندارد (جعفر، ۲۰۰۲: ۳۳۳). دلیل مجازات برای اتخاذ نام دروغین این است که وقتی مجرم حقیقت نام خود را تغییر می‌دهد، در عین حال شخصیت خود را نیز تغییر می‌دهد و مردم را در مورد آن گمراه می‌کند؛ در نتیجه، آن‌ها به او اعتمادی می‌کنند که اگر از نام واقعی خود استفاده می‌کرد، به او نمی‌کردند و او را مجبور به تسلیم مال می‌کنند (الشواری، ۱۹۹۰: ۴۳). نام مستعار، حتی اگر با نام ثبت شده در اسناد رسمی فرد متفاوت باشد، نام دروغین محسوب نمی‌شود. همچنین، نام شخص دروغین محسوب نمی‌شود اگر نام مستعار، رایج و غالب بر نام واقعی باشد. عنوان جعلی به معنای انتساب یک لقب، شغل، حرفه، نسبت یا سایر عناوین خلاف واقع به خود است (سرور، ۲۰۰۳: ۸۴۹)؛ به منظور ایجاد اعتماد در قربانی، او را به اشتباه انداخته و وادار به تسلیم مال به متهم کند. در حقوق ایران نیز، استفاده از عنوان یا صفت جعلی، یکی از مصادیق بارز توسل به وسایل متقلبانه در جرم کلاهبرداری محسوب می‌شود. ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و

کلاهبرداری، صراحتاً به این موضوع اشاره کرده و آن را جرم‌انگاری کرده است؛ به شرط آنکه منجر به فریب قربانی و بردن مال او شود.

در نظام حقوقی ایران، «روش‌های متقلبانه» در جرم کلاهبرداری به دلیل ماهیت پویا و متغیرشان، تعریف صریح و کاملی ندارند و قانون به جای ارائه فهرست محدود، تشخیص مصادیق را به عرف جامعه سپرده است. با این حال، این روش‌ها شامل هرگونه عمل یا رفتاری می‌شوند که با پنهان کردن دروغ و فریب کلاهبردار، او را موجه جلوه داده و قربانی را به تسلیم مال خود وادار کنند؛ خواه این روش‌ها صحنه‌سازی‌های پیچیده باشند یا ساده‌ترین دروغ‌ها. دو نمونه رایج این روش‌ها، «ادعای دروغین با ظواهر فریبنده» (مانند جعل هویت یا نمایش ثروت کاذب) و «پنهان کردن حقیقت» (مانند کتمان عیوب کالا) هستند؛ البته روش دوم به تنهایی جرم نیست، مگر اینکه با سایر روش‌های فریبنده همراه باشد. همچنین، معیار ارزیابی شدت فریب و تأثیر آن بر قربانی محل اختلاف نظر است؛ برخی آن را بر اساس یک فرد معمولی با هوش متوسط می‌سنجند و برخی دیگر، بر اساس قربانی خاص (اعتمادی، ۱۴۰۱: ۵۶). در کشورهای عربی نیز، مانند ایران، تعریف دقیقی از روش‌های متقلبانه وجود ندارد؛ اما هدف همه کشورها، جلوگیری از فریب قربانی و تحصیل مال او به صورت نامشروع است. تفاوت اصلی در این است که برخی کشورها فهرست مشخصی از روش‌های متقلبانه دارند، در حالی که در ایران این روش‌ها نامحدود و وابسته به عرف جامعه هستند.

۳-۱. کلاهبرداری مرتبط با اموال منقول و غیر منقول

قوانین کیفری کشورهای اسلامی در مورد کلاهبرداری با اموال منقول و غیر منقول اختلاف نظر دارند. برخی از آن‌ها آن را به‌عنوان یک جرم مستقل در کنار کلاهبرداری در نظر گرفته‌اند، مانند قانون مجازات عراق (ماده ۴۵۷)، الجزایر (ماده ۳۷۲)، در حالی که برخی دیگر از قوانین، آن را به‌عنوان یکی از روش‌های کلاهبرداری در نظر گرفته‌اند که با تحقق یکی از آن‌ها، جرم کلاهبرداری محقق می‌شود و نه به‌عنوان یک جرم مستقل؛ مانند قانون مجازات مصر (ماده ۳۳۶)، اردن (ماده ۴۱۷)، لبنان (ماده ۶۵۵)، سوریه (ماده ۶۴۱)^۱ و لیبی (ماده ۴۶۱) (جعفر، ۲۰۰۲: ۳۳۴). در حقوق ایران، تصرف در مال

۱. المادة ۶۴۱: ۱ - كل من حمل الغير على تسليمه مالا منقولاً أو غير منقولاً أو أسنأاً تتضمن تعهداً أو إبراء فاستولى عليها احتيالا؛ إما باستعمال الدسائس.

أو بتلفيق أكذوبة أیدها شخص ثالث ولو عن حسن نية، أو بطروف مهد له المجرم أو ظرف استفاد منه، أو بتصرفه بأموال منقولة أو غير منقولة وهو يعلم أن ليس له صفة للتصرف بها، أو باستعماله اسماً مستعازاً أو صفة كاذبة، عوقب بالحبس من ثلاثة أشهر إلى سنتين وبالغرامة من مائة إلى خمسمائة ليرة.

۲ - يطبق العقاب نفسه في محاولة ارتكاب هذا الجرم.

غیر بدون مجوز قانونی، یکی از مصادیق بارز کلاهبرداری است و در ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری جرم‌انگاری شده است. در این مورد، مجرم با فریب قربانی و بدون داشتن حق مالکیت یا حق تصرف، در مال او تصرف می‌کند. به عبارت دیگر، مجرم با توسل به وسایل متقلبانه، قربانی را فریب می‌دهد تا مال خود را به او تسلیم کند، در حالی که درواقع هیچ حقی نسبت به آن مال ندارد (سالاری، ۱۳۸۹: ۱۱۶). این روش زمانی محقق می‌شود که مجرم در مالی که متعلق به او نیست و حق تصرف در آن را ندارد، تصرفی انجام دهد و قربانی را وادار کند در ازای حقی که به او تلقین کرده است که با این تصرف به او منتقل شده، مالی را به او تسلیم کند. کلاهبرداری با این روش به این دلیل محقق می‌شود که تصرف مجرم در مال، به‌طور ضمنی حاوی یک ادعای نادرست است و قربانی در نتیجه آن دچار اشتباه می‌شود و این اشتباه است که او را به تسلیم مال خود به مجرم وادار می‌کند (سرور، ۱۹۸۵: ۹۰۷). این روش، مانند سایر روش‌های کلاهبرداری، در ذات خود دروغی است که برای تحقق کلاهبرداری لازم است. صرف وجود این روش، رکن کلاهبرداری را محقق می‌کند و نیازی به استفاده از روش‌های متقلبانه یا اتخاذ نام یا عنوان جعلی نیست (بارة، ۱۹۹۳: ۱۵۴). برای تحقق این روش از روش‌های کلاهبرداری، تحقق هم‌زمان دو شرط ضروری است:

۱. تصرف در مال منقول یا غیرمنقول؛
 ۲. این مال متعلق به مجرم نباشد و او حق تصرف در آن را نداشته باشد؛
- در ادامه، به هر یک از این دو شرط پرداخته می‌شود.

۲-۳. تصرف عدوانی در اموال

تصرف یک عمل حقوقی است که منجر به انتقال مالکیت یک چیز یا ایجاد یک حق عینی اصلی یا تبعی بر آن می‌شود (السنهوری، ۱۹۵۲، ج ۸: ۵۰۱). نمونه‌هایی از تصرف ناقل مالکیت عبارت‌اند از: بیع و معاوضه و هبه. اما تصرفی که منجر به ایجاد یک حق عینی اصلی می‌شود، حق انتفاع یا حق ارتفاق است و همچنین ایجاد حقوق عینی تبعی مانند رهن و وثیقه رهنی. اما صرف ایجاد حقوق شخصی بر روی یک چیز، مانند اجاره یا عاریه، تصرف در آن محسوب نمی‌شود؛ مگر اینکه حقوق شخصی بر روی آن چیز ایجاد شود که می‌تواند کلاهبرداری محسوب شود، اگر با استفاده از هر وسیله دیگری از وسایل کلاهبرداری که آن را تأیید می‌کند، مانند استفاده از روش‌های متقلبانه یا اتخاذ نام یا عنوان جعلی، همراه باشد (عبید، ۱۹۶۰: ۳۵۷) و از آنجا که تصرف در این مورد در تشکیل رکن مادی جرم کلاهبرداری نقش دارد، یکی از وقایع مادی است که می‌توان آن را با تمام روش‌های اثبات مقرر در

قانون آیین دادرسی کیفری اثبات کرد، بدون اینکه محدود به روش‌ها و ابزارهای اثبات مقرر در قانون مدنی برای اثبات این تصرفات باشد. مسلم است که دادگاه در امور کیفری حق دارد قضاوت خود را بر هر دلیلی که آن را صحیح و مناسب برای رسیدن به نتیجه قضاوت خود می‌داند، استوار کند، بدون اینکه ملزم به رعایت یک دلیل خاص باشد، همان‌طور که طبق قواعد قانون مدنی است؛ بنابراین، صرف تصرف در ملک غیرمنقول، جرم کلاهبرداری را محقق می‌کند، بدون نیاز به هیچ اقدام دیگری برای اثبات تصرف، مانند تنظیم یا ثبت قرارداد؛ بلکه جرم کلاهبرداری به‌طور کامل محقق می‌شود، حتی اگر ملک غیرمنقول ثبت نشده باشد (بارة، ۱۹۹۳: ۱۵۵-۱۵۶).

۳-۳. انتقال مال غیر

برای تحقق جرم کلاهبرداری، مجرم نباید مالک مال باشد و هم‌زمان حق تصرف در آن را نداشته باشد (حسنی، ۱۹۷۲: ۲۴۶). به‌عنوان مثال، فروش مال متعلق به دیگری یا فروش تمام مال مشاع به جای سهم خود، مصداق کلاهبرداری است (القهوچی، ۱۹۸۲: ۳۹۳). اما اگر متصرف، مالک مال باشد، ولی حق تصرف نداشته باشد، این عمل کلاهبرداری محسوب نمی‌شود، هرچند ممکن است طبق قوانین دیگر قابل مجازات باشد؛ مانند تصرف مالک در مال منقول توقیف‌شده (بارة، ۱۹۹۳: ۱۵۷). همچنین، اگر متصرف، مالک مال نباشد اما حق تصرف در آن را داشته باشد (مثل نماینده قانونی یا قراردادی مالک) و در حدود اختیارات خود عمل کند، کلاهبرداری رخ نمی‌دهد. اما اگر نماینده به‌عنوان مالک اصلی تصرف کند، مرتکب کلاهبرداری شده است؛ مانند وکیلی که ملکی را به نام خود بفروشد (سرور، ۱۹۸۵: ۹۱۰).

۳-۴. نتیجه مجرمانه

تسلیم مال به مجرم می‌تواند به‌عنوان دومین عنصر در رکن مادی جرم کلاهبرداری مورد ارزیابی قرار گیرد که مجرم در پی ارتکاب فعل کلاهبرداری به دنبال آن است (سرور، ۱۹۸۵: ۹۱۰). عنصر تسلیم، مهم‌ترین وجه تمایز جرم کلاهبرداری از جرم سرقت است؛ در سرقت، مال قربانی به صورت پنهانی (دزدکی) گرفته می‌شود، در حالی که در کلاهبرداری، این گرفتن از طریق خود قربانی صورت می‌گیرد، به این صورت که او مال خود را داوطلبانه و تحت تأثیر اشتباهی که در آن افتاده است، به مجرم تسلیم می‌کند. در برخی قوانین جزایی کشورهای اسلامی مانند قانون مجازات اردن (ماده ۴۱۷)، لبنان (ماده ۶۵۵)، سوریه (ماده ۶۴۱)، از عبارت «... و در نتیجه تسلیم مال» استفاده کرده است. اما برخی دیگر از قوانین عربی همچون قانون مجازات مصر (ماده ۳۳۶) از عبارت «استیلا» استفاده شده است.

برخی از حقوق‌دانان بر این باورند که کلمه «استیلا» معنای مورد نظر در این جرم را به درستی بیان نمی‌کند و برای بیان منظور، دقیق نباشد؛ زیرا از آن برداشت می‌شود که مال از تصرف قربانی خارج شده است، در حالی که این موضوع در مورد مرتکب کلاهبرداری صدق نمی‌کند؛ بنابراین، عبارت «تسلیم» برای اشاره به نتیجه مجرمانه در کلاهبرداری دقیق‌تر است که منظور از آن «تسلیم مال از سوی قربانی به مجرم تحت تأثیر اشتباهی است که در آن افتاده است» (حسنی، ۱۹۷۲: ۲۵۸). به نظر می‌رسد که اصطلاح «استیلا» در حقوق کیفری کشورهای عربی به معنی «تسلط یافتن» یا «به دست آوردن کنترل» بر چیزی است و این مفهوم می‌تواند شامل تسلط از طریق فریب (که در جرم کلاهبرداری رخ می‌دهد) و یا تسلط از طریق زور (که در جرم سرقت رخ می‌دهد) باشد. بنابراین، استفاده از این عبارت در قانون مجازات مصر برای بیان نتیجه مجرمانه در جرم کلاهبرداری، دقیق و صحیح است و ایرادی بر آن وارد نیست. بنابراین درواقع، در حقوق مصر، نتیجه مجرمانه، تسلط یافتن کلاهبردار بر مال قربانی است، در حالی که در سایر نظام‌های حقوقی، تسلیم مال توسط قربانی به مجرم، عنصر اصلی نتیجه مجرمانه محسوب می‌شود.

در حقوق ایران نیز، عنصر مادی جرم کلاهبرداری، عبارت است از «بردن مال دیگری» که از طریق توسل به وسایل متقلبانه و فریب قربانی حاصل می‌شود (حبیب زاده، ۱۳۷۴: ۱۱۶). بنابراین، در حقوق ایران، تسلیم مال توسط قربانی به مجرم، عنصر اصلی نتیجه مجرمانه در جرم کلاهبرداری است و بدون آن، جرم محقق نمی‌شود. البته، در حقوق ایران، بردن مال می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم باشد و لزوماً به معنای تصاحب فیزیکی مال نیست؛ بلکه هرگونه انتفاع غیرمجاز از مال دیگری، می‌تواند مصداق بردن مال محسوب شود. مقید بودن جرم کلاهبرداری در آرای مختلف دیوان عالی کشور ایران نیز مورد تأکید قرار گرفته است. شعبه دوم دیوان عالی کشور در آرای شماره ۱۴/۱۱/۱۶ - ۱۴۳۳ و ۱۹/۴/۳۲ - ۱۵۳۸ درباره کلاهبرداری گفته است: «اگر موجری برای مبلغی از مال‌الاجاره سابق که مستحق آن نبوده تقاضای صدور ورقه اجرائیه کند و به‌وسیله اجرایی ثبت در مقام وصولان بر آید، این عمل صرفاً بدون اینکه به نتیجه منظور (اخذ وجه) برسد، شروع به کلاهبرداری محسوب است». در رأی دیوان عالی کشور ایران، تأکید بر مقید بودن جرم کلاهبرداری به حصول نتیجه، یعنی بردن مال غیر است. در این رأی، دیوان عالی کشور بیان می‌کند که اگرچه تقاضای صدور ورقه اجرائیه برای مبلغی که مستحق آن نبوده، یک عمل متقلبانه است، اما تا زمانی که این عمل منجر به اخذ وجه نشده باشد، صرفاً شروع به کلاهبرداری محسوب می‌شود. بنابراین، این رأی تأیید می‌کند که در حقوق ایران، حصول

نتیجه (بردن مال غیر) برای تحقق جرم کلاهبرداری ضروری است و بدون آن، جرم کامل نمی‌شود؛ حتی اگر تمام عناصر دیگر جرم، از جمله توسل به وسایل متقلبانه و فریب قربانی وجود داشته باشند.

۳-۵. تحصیل مال

در جرم کلاهبرداری، اراده قربانی که اراده‌ای معیوب است، به سمت تسلیم مال جهت می‌گیرد. بنابراین، باید رابطه‌ای مستقیم بین اراده و تسلیم وجود داشته باشد؛ زیرا اراده عنصر اساسی در تشکیل تسلیم است. اما اگر اراده صرفاً به فراهم کردن شرایطی محدود شود که مجرم از آن‌ها سوءاستفاده کرده و مستقیماً مال متعلق به قربانی را تصاحب کند، جرم کلاهبرداری محقق نمی‌شود، اما ممکن است جرم دیگری محقق شود، اگر عمل دوم توسط قانون جرم‌انگاری شده باشد. به عنوان مثال، اگر شخصی خود را به عنوان کارمند اداره برق و آب جا بزند و صاحب‌خانه را متقاعد کند که برای بررسی کنتور برق به او اجازه ورود به خانه را بدهد و پس از ورود، پول‌هایی را که روی میز در خانه قرار دارد، مخفیانه بردارد، جرم کلاهبرداری به لحاظ قانونی محقق نمی‌شود، بلکه جرم سرقت محقق می‌شود؛ زیرا اراده قربانی در اینجا به تسلیم پول معطوف نبوده، بلکه به دست آوردن آن تنها از طریق فعالیت آن شخص و از طریق عمل گرفتن بوده است، بدون اینکه اراده قربانی نقشی در آن داشته باشد (جعفر، ۲۰۰۲: ۳۳۵). در مقابل، اگر آن شخص، قربانی را متقاعد کند که مبلغی پول را به عنوان هزینه اشتراک در خدمات برق یا آب به او تحویل دهد، این عمل کلاهبرداری محسوب می‌شود. در مورد ماهیت تسلیم در جرم کلاهبرداری و اینکه آیا منظور از آن انتقال مالکیت کامل است یا اینکه حتی اگر هدف از تسلیم، انتقال مالکیت موقت یا حتی ایجادید عارضی باشد، نیز محقق می‌شود، اختلاف نظر حقوقی وجود دارد. یک دیدگاه حقوقی معتقد است که فرقی نمی‌کند که هدف از تسلیم، انتقال مالکیت کامل، مالکیت ناقص یا ایجادید عارضی باشد (عبید، ۱۹۶۰: ۳۷۳)؛ در حالی که دیدگاه حقوقی دیگری معتقد است که تسلیم باید با قصد انتقال مالکیت کامل باشد و اگر تسلیم با قصد ایجادید عارضی یا مالکیت ناقص انجام شود، جرم کلاهبرداری محقق نمی‌شود (سرور، ۱۹۸۵: ۹۲۶).

دیدگاه دوم، به نظر قابل پذیرش است و بر این استدلال استوار است که این تعریف، معیارهای تمایز بین جرائم علیه اموال (کلاهبرداری، سرقت و خیانت‌درامانت) را تثبیت می‌کند. به عبارت دیگر، اگر تسلیم مال با قصد انتقال مالکیت کامل نباشد، ممکن است جرم دیگری مانند سرقت یا خیانت‌درامانت محقق شود. همچنین، فرقی نمی‌کند که تسلیم مال از سوی خود قربانی انجام شود یا شخص دیگری به درخواست او این کار را انجام دهد؛ مانند زمانی که مجرم، شخصی را فریب می‌دهد و به او القا می‌کند

که می‌تواند او را در یک شغل خاص استخدام کند؛ قربانی فریب خورده و از پدرش می‌خواهد که مبلغی پول را به‌عنوان هزینه این خدمت به مجرم تحویل دهد. همچنین، لازم نیست که تسلیم مال مستقیماً به خود مجرم انجام شود، بلکه می‌تواند به شخص دیگری نیز تسلیم شود، خواه این شخص دیگر، شریک اصلی مجرم باشد یا با حسن نیت و بی‌اطلاع از واقعیت امر، به‌عنوان ابزاری در دست مجرم عمل کند. تسلیم مال همچنین می‌تواند از شخصی غیر از قربانی به شخصی غیر از مجرم انجام شود؛ این حالت زمانی رخ می‌دهد که مجرم با استفاده از برخی روش‌های متقلبانه، قربانی را فریب داده و او را متقاعد می‌کند که مبلغ مورد نظر را از طریق پسرش به پسر مجرم تحویل دهد.

این سؤال قابل طرح است که آیا ضرر قربانی شرط است؟ اگر تسلیم مال از سوی قربانی به مجرم بر اساس روش‌های متقلبانه استفاده شده توسط مجرم صورت گیرد، جرم کامل شده و فاعل آن مستحق مجازات است، حتی اگر قربانی هیچ ضرری از آن متحمل نشده باشد؛ زیرا ضرر شرط تحقق جرم کلاهبرداری نیست. دلیل این امر آن است که هدف قانون‌گذار از جرم‌انگاری کلاهبرداری، حمایت از مالکیت و حمایت از آزادی و سلامت اراده است و هرگونه تجاوز به مالکیت یک شخص و هرگونه خدشه به آزادی اراده او، ضرر محسوب می‌شود؛ بنابراین، نیازی نیست که در نتیجه اعمال فریبکارانه، کاهش در ثروت قربانی رخ دهد تا جرم کلاهبرداری محقق شود (نمور، ۲۰۰۷: ۲۷۰؛ حسنی، ۱۹۷۲: ۲۶۱).

۴. ماهیت و اوصاف مال مورد کلاهبرداری

از آنجا که این جرم از جرائم علیه اموال است، موضوع آن هر چیزی است که ارزش مالی داشته باشد و این مال مادی باشد، یعنی دارای ماهیت ملموس باشد که بتوان آن را گرفت یا تصاحب کرد. برخی از قوانین عربی در قوانین جزایی خود، مال موضوع تسلیم را به‌عنوان مال منقول یا غیرمنقول تعریف کرده‌اند، مانند قانون مجازات اردن (ماده ۴۱۷)، سوریه (ماده ۶۴۱) و لبنان (ماده ۶۵۵). اما برخی دیگر، مال موضوع تسلیم را به‌عنوان مال منقول تعریف کرده‌اند، مانند قانون مجازات مصر (ماده ۳۳۶)؛ در اینجا، یک دیدگاه حقوقی معتقد است که جرم کلاهبرداری به‌طور غیرمستقیم در مورد اموال غیرمنقول نیز رخ می‌دهد، مانند تصاحب سند مالکیت یک ملک غیرمنقول از طریق کلاهبرداری (عبید، ۱۹۶۰: ۳۷۲).

این موضوع به صراحت در ماده ۳۳۶ قانون مجازات مصر آمده است که در آن، از عبارت «ای متاع منقول» برای اشاره به مال موضوع کلاهبرداری استفاده شده است. اما این برداشت که کلاهبرداری در

حقوق مصر فقط شامل اموال منقول می‌شود، کاملاً درست نیست. اگرچه قانون مصر به صراحت مال موضوع کلاهبرداری را مال منقول تعریف کرده است، اما در عمل، کلاهبرداری می‌تواند به‌طور غیرمستقیم در مورد اموال غیرمنقول نیز رخ دهد؛ به‌عنوان مثال، تصاحب سند مالکیت یک ملک غیرمنقول از طریق کلاهبرداری. در این موارد، اگرچه مال مورد کلاهبرداری مستقیماً غیرمنقول نیست، اما سند مالکیت که یک مال منقول است، از طریق فریب و نیرنگ به دست می‌آید و این عمل می‌تواند مصداق کلاهبرداری باشد. بنابراین، می‌توان گفت که اگرچه قانون مصر به صراحت مال موضوع کلاهبرداری را مال منقول تعریف کرده است، اما در عمل و با توجه به تفسیر حقوق‌دانان، کلاهبرداری می‌تواند، به‌طور غیرمستقیم اموال غیرمنقول را نیز شامل شود؛ به شرطی که این امر از طریق تصاحب یک مال منقول مرتبط با آن مال غیرمنقول، مانند سند مالکیت صورت گیرد.

در حقوق ایران نیز، موضوع جرم کلاهبرداری، «مال دیگری» است. مال در این معنا، مفهومی گسترده دارد و شامل هر چیزی می‌شود که دارای ارزش اقتصادی باشد و بتوان آن را مورد معامله قرار داد؛ بنابراین، اموال منقول، غیرمنقول، مادی و حتی برخی از حقوق مالی، می‌توانند موضوع جرم کلاهبرداری باشند. به نظر می‌رسد، لازم است که اموال غیرمنقول به صراحت در قانون ذکر شوند تا تحت حمایت کیفری در برابر هرگونه تجاوز به مالکیت از طریق کلاهبرداری قرار گیرند. شرایطی وجود دارد که باید در مورد مال موضوع تسلیم رعایت شود تا به‌عنوان موضوع جرم کلاهبرداری در نظر گرفته شود:

۱. مال باشد: موضوع کلاهبرداری باید در تعریف حقوقی «مال» بگنجد (حسنی، ۱۹۷۲: ۲۷۶). این شامل اشیاء مادی مانند پول، خودرو، یا خانه و همچنین اشیاء غیرمادی با ارزش اقتصادی مانند حق اختراع، حق تألیف، یا سهام می‌شود. حتی اشیاء با ارزش عاطفی بالا مانند یادگاری‌های خانوادگی نیز می‌توانند در این دسته قرار بگیرند، زیرا دارای ارزش اقتصادی بالقوه هستند.

۲. متعلق به دیگری باشد: مال مورد نظر باید متعلق به فردی غیر از کلاهبردار باشد (الفهوجی، ۱۹۸۲: ۴۰۴). اگر شخصی با فریب، مالی را که متعلق به خودش است از دیگری بگیرد، این عمل کلاهبرداری محسوب نمی‌شود. به‌عنوان مثال، اگر فردی با حيله، خودروی خود را که قبلاً به سرقت رفته بود، از سارق پس بگیرد، مرتکب کلاهبرداری نشده است.

۳. ماهیت مادی داشته باشد: این شرط به این معناست که مال باید قابلیت انتقال یا تسلیم مادی داشته باشد (حسنی، ۱۹۷۲: ۲۷۸). به عبارت دیگر، باید بتوان آن را به صورت فیزیکی یا از طریق یک

سند قانونی به دیگری منتقل کرد. به عنوان مثال، انتقال یک خانه از طریق سند رسمی یا انتقال پول از طریق حواله بانکی، نمونه‌هایی از انتقال مادی هستند. اسناد مالی مانند چک، سفته، یا اوراق قرضه نیز در این دسته قرار می‌گیرند زیرا نشان‌دهنده یک تعهد مالی هستند و می‌توانند به صورت فیزیکی یا الکترونیکی منتقل شوند. علاوه بر این، اسناد حاوی تعهد یا ابراء نیز می‌توانند موضوع کلاهبرداری باشند (نمور، ۲۰۰۷: ۲۷۳). این اسناد، مانند قراردادها، رسیدها، یا گواهی‌ها، دارای ارزش مالی هستند و می‌توانند برای اثبات یک تعهد یا سلب مسئولیت استفاده شوند. به دست آوردن این اسناد از طریق فریب، می‌تواند به کلاهبردار امکان سوءاستفاده مالی بدهد، بنابراین این عمل نیز جرم کلاهبرداری محسوب می‌شود. این اسناد در قانون مجازات اردن (ماده ۴۱۷)، لبنان (ماده ۶۵۵) و مصر (ماده ۳۳۶) ذکر شده‌اند.

۵. رابطه سببیت

برای تحقق جرم کلاهبرداری کامل، کافی نیست که مجرم فقط عمل کلاهبرداری را انجام دهد و قربانی مال را به او تسلیم کند، بلکه لازم است بین عمل کلاهبرداری و تسلیم مال، رابطه‌ای وجود داشته باشد، به طوری که دومی نتیجه یا ثمره اولی باشد، یا اولی علت دومی باشد؛ یعنی باید بین عمل کلاهبرداری و تسلیم مال، یک رابطه سببیت وجود داشته باشد. برای توضیح این رابطه یا ارتباط، لازم است نقش هر یک از مجرم و قربانی را تصور کنیم. مجرم دروغی را بیان می‌کند که آن را با یکی از وسایل کلاهبرداری که منجر به فریب قربانی می‌شود، پشتیبانی می‌کند؛ در نتیجه، قربانی را به تسلیم مال به مجرم سوق می‌دهد.

رابطه سببیت به معنای ارتباط بین یک پدیده (سبب) و پدیده دیگری (مسبب) است، به طوری که پدیده اول، شرط لازم برای وقوع پدیده دوم باشد. در جرم کلاهبرداری، می‌توان گفت که فعل مجرمانه (توسل به وسایل متقلبانه)، سبب وقوع نتیجه مجرمانه (تسلیم مال توسط قربانی) است. به این معنا که اگرچه ممکن است عوامل دیگری نیز در وقوع نتیجه مجرمانه دخیل باشند، اما بدون وجود فعل مجرمانه، نتیجه مجرمانه رخ نمی‌داد. بنابراین، در جرم کلاهبرداری، رابطه سببیت بر شرط لازم بودن فعل مجرمانه برای وقوع نتیجه مجرمانه تأکید می‌کند. برای تحقق رابطه سببیت بین فعل کلاهبرداری و تسلیم مال، اولاً، لازم است که فعل کلاهبرداری منجر به فریب قربانی شود. ثانیاً، لازم است که همین فریب، قربانی را به تسلیم مال به مجرم وادار کند. ثالثاً، لازم است که فعل کلاهبرداری قبل از تسلیم مال رخ دهد (القهوچی، ۱۹۸۲: ۴۰۶).

۵-۱. تأثیر رفتار متقلبانه بر ایجاد فریب در قربانی

برای تحقق جرم کلاهبرداری، رابطه سببیت بین فعل کلاهبرداری و فریب قربانی ضروری است (حسنی، ۱۹۷۲: ۲۶۸). اگر قربانی فریب نخورد یا با وجود فریب، مال خود را تسلیم نکند، جرم کلاهبرداری محقق نمی‌شود. در تعیین اینکه آیا قربانی فریب خورده است، دو معیار مطرح است: معیار عینی و معیار شخصی.

معیار عینی: فریب را بر اساس یک فرد معمولی با هوش و دقت متوسط می‌سنجد (بکر، ۱۹۷۷: ۸۷۰). اگر کلاهبرداری بتواند یک فرد معمولی را فریب دهد، سببیت بین فعل مجرمانه و فریب قربانی وجود دارد و مجرم مسئول است؛ مگر اینکه قربانی با توجه به شرایط خاص خود، از هوش و فراست بیشتری برخوردار بوده و می‌توانسته با کمی دقت، فریب را تشخیص دهد.

معیار شخصی: فریب را بر اساس میزان هوش و فراست قربانی می‌سنجد (حسنی، ۱۹۷۲: ۲۶۹). فریب زمانی محقق می‌شود که بتواند قربانی خاصی را تحت تأثیر قرار دهد، به شرطی که قربانی در تسلیم شدن به دروغ‌های مجرم، بی‌احتیاطی نکرده باشد.

با توجه به نقاط قوت و ضعف هر دو معیار، می‌توان نظریه تفصیلی را مطرح کرد که هر دو معیار را در برگیرد. در این نظریه، اصل بر این است که اگر فعل کلاهبردار بتواند یک فرد معمولی را فریب دهد، قربانی نیز فریب خورده است؛ مگر اینکه مجرم بتواند ثابت کند که قربانی به دلیل بی‌احتیاطی خود فریب خورده است که در این صورت جرم کلاهبرداری محقق نمی‌شود.

۵-۲. نقش فریب در تحقق نتیجه مجرمانه

این شرط به این معناست که قربانی در زمان تسلیم مال، تحت تأثیر فریب قرار داشته باشد؛ یعنی فریب باید منجر به تسلیم شده باشد یا او را به این کار واداشته باشد. اما اگر قربانی به دلیل دیگری غیر از فریب خوردن، مال خود را تسلیم کرده باشد، رابطه سببیت وجود ندارد و جرم کلاهبرداری محقق نمی‌شود (الکرد، ۲۰۰۰: ۳۱۴). به عنوان مثال، اگر شخصی ادعا کند که با یکی از رهبران سیاسی نسبت دارد و از یک فرد ثروتمند درخواست کمک مالی کند و او این کمک را بکند، سپس مشخص شود که فرد ثروتمند، حتی اگر آن شخص ادعای نسبت با رهبر سیاسی را نمی‌کرد، به دلیل تمایل به نیکوکاری، کمک را می‌کرد، در این صورت رابطه سببیت بین فعل کلاهبرداری و تسلیم مال وجود ندارد. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا فریب باید تنها عامل وادار کردن قربانی به تسلیم مال باشد؟ و اگر قربانی فریب خورده باشد، اما عوامل متعدد دیگری نیز او را به تسلیم مال وادار کرده باشند،

حکم چیست؟ به نظر می‌رسد که وجود عوامل دیگر در کنار فعل فریبکارانه مجرم، رابطه سببیت بین فریب و تسلیم را قطع نمی‌کند. برای مثال، اگر تظاهر به ثروت و خودستایی در کنار فریب، قربانی را به تسلیم مال خود به مجرم برای تأسیس یک پروژه واهی وادار کند، مانع از وجود رابطه سببیت نمی‌شود. در اینجا، نظریه تساوی علل قابل اعمال است؛ یعنی تساوی علل در اینجا رابطه سببیت بین فعل مجرم و نتیجه مجرمانه را قطع نمی‌کند.

۶. توالی زمانی بین رفتار متقلبانه و نتیجه مجرمانه

این به این معناست که روش‌های متقلبانه باید قبل از تسلیم مال رخ دهند تا بتوان گفت که رابطه سببیت بین آن‌ها وجود دارد؛ بنابراین، اگر مال در اختیار متهم باشد یا تحت ید عارضی او باشد و سپس برخی از اعمال متقلبانه را با قصد الحاق این مال به مالکیت خود و عدم بازگرداندن آن به صاحبش انجام دهد، این واقعه کلاهبرداری محسوب نمی‌شود (نمور، ۲۰۰۷: ۲۷۵). به عنوان مثال، اگر شخصی مبلغی پول را به دیگری بپردازد تا او را در شغلی استخدام کند، بدون اینکه طرف مقابل مرتکب اعمال فریبکارانه‌ای شده باشد و سپس سعی کند استحقاق خود را برای این پول با فریب دادن پرداخت کننده پول توجیه کند که او با افرادی که مسئول استخدام هستند، در ارتباط است و تمام تلاش خود را برای این کار می‌کند، جرم کلاهبرداری محقق نمی‌شود؛ زیرا تسلیم باید در نتیجه فریب قربانی و درک نادرست او از امور انجام شود. در صورتی که تسلیم انجام شود و سپس گیرنده مال از روش‌های متقلبانه برای فرار با پول یا عدم بازگرداندن آن به صاحبش استفاده کند، کلاهبرداری وجود ندارد، بلکه ممکن است عمل، سرقت یا خیانت در امانت باشد، بسته به شرایط واقعه تسلیم و اینکه آیا تسلیم، ناقل مالکیت موقت بوده است یا تسلیم اضطراری (نجم، ۱۹۸۵: ۲۲۰). در این راستا، دیوان عالی مصر حکم کرده است که «اگر قربانی قبل از اینکه متهمان به استفاده از روش‌های متقلبانه متوسل شوند، مبلغی پول را به عنوان قرض به متهم اول تحویل داده باشد، تبرئه آن‌ها از اتهام کلاهبرداری با قانون مطابقت دارد» (نقض مصری، ۱۹۶۴/۳/۲۳: ۴۲۱).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل تطبیقی رکن مادی جرم کلاهبرداری در حقوق کشورهای اسلامی مصر، اردن، لبنان، الجزایر و ایران، به بررسی عناصر تشکیل دهنده این رکن و مقایسه آن‌ها در این نظام‌های حقوقی پرداخت. یافته‌های این پژوهش نشان داد که علی‌رغم تفاوت‌های جزئی در تعریف و

تبیین رکن مادی جرم کلاهبرداری در این کشورها، در کلیات، اشتراک نظر قابل توجهی بین این نظام‌های حقوقی وجود دارد. در تمامی این نظام‌ها، توسل به وسایل متقلبانه، فریب قربانی و تحصیل مال نامشروع به‌عنوان عناصر اصلی رکن مادی جرم کلاهبرداری شناخته می‌شوند. با این حال، تفاوت‌هایی نیز در جزئیات وجود دارد؛ ازجمله در تعریف دقیق وسایل متقلبانه و شرایط تحقق جرم. به‌عنوان مثال، در حقوق مصر، نتیجه مجرمانه به صورت «استیلا» بر مال تعریف شده است که می‌تواند هم شامل تسلط از طریق فریب و هم تسلط از طریق زور باشد، در حالی که در سایر نظام‌های حقوقی مورد بررسی، «تسلیم مال» توسط قربانی به مجرم، به‌عنوان نتیجه مجرمانه در نظر گرفته می‌شود. همچنین، در برخی کشورها، فهرست وسایل متقلبانه احصاء شده است، در حالی که در برخی دیگر همچون حقوق ایران هر وسیله‌ای که عرفاً متقلبانه محسوب شود، می‌تواند موجب تحقق جرم کلاهبرداری گردد. در تعیین اینکه قربانی فریب خورده است یا خیر؟ دو معیار عینی و شخصی در نظام‌های حقوقی قابل طرح است.

معیار عینی، فریب را بر اساس یک فرد معمولی با هوش و دقت متوسط می‌سنجد، در حالی که معیار شخصی، میزان هوش و فراست قربانی را ملاک قرار می‌دهد. برای رفع نقاط ضعف هر دو معیار، می‌توان نظریه تفصیلی را پذیرفت که در آن، اصل بر فریب خوردن قربانی است، مگر اینکه مجرم بتواند بی‌احتیاطی قربانی را اثبات کند. در خصوص ماهیت تسلیم در جرم کلاهبرداری، دیدگاهی که تسلیم را منوط به قصد انتقال مالکیت کامل می‌داند، ارجح است. این دیدگاه با ایجاد تمایز روشن بین جرائم علیه اموال، از تداخل و ابهام در تشخیص جرم جلوگیری می‌کند و موجب شفافیت بیشتر در نظام حقوقی کیفری می‌شود. به این ترتیب، اگر تسلیم مال با قصد انتقال مالکیت کامل نباشد، ممکن است جرم دیگری مانند سرقت یا خیانت‌درامانت محقق شود، اما کلاهبرداری نخواهد بود. این پژوهش با تمرکز بر رکن مادی جرم کلاهبرداری و بررسی تطبیقی آن در پنج کشور اسلامی، به غنای ادبیات حقوقی در این زمینه کمک کرده و نشان می‌دهد که علی‌رغم تفاوت‌های جزئی، در کلیات، اشتراک نظر قابل توجهی بین این نظام‌های حقوقی در تعریف و تبیین رکن مادی جرم کلاهبرداری وجود دارد. این اشتراک نظر می‌تواند زمینه‌ساز همکاری‌های بیشتر در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی برای مقابله با این جرم باشد. همچنین، با شناسایی تفاوت‌های موجود در جزئیات، می‌توان به سمت هماهنگی بیشتر قوانین و رویه‌های قضایی در این کشورها حرکت کرد.

اما پیشنهادهای پژوهش حاضر از قرار زیر هستند:

بازنگری در تعریف «تسلیم مال» (مفهوم تسلیم مال) در حقوق ایران به صراحت تعریف نشده است و این امر می‌تواند منجر به ابهام و تفسیرهای مختلف شود. پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار با الهام از حقوق سایر کشورها، تعریف جامع‌تری از «تسلیم مال» ارائه دهد که علاوه بر انتقال فیزیکی مال، شامل انتقال حقوق و منافع مالی نیز بشود. این امر می‌تواند با افزودن عبارتی مانند «یا انتقال هرگونه حق یا منفعت مرتبط با مال» به تعریف فعلی تسلیم در قانون، محقق شود.

تعیین معیار مشخص برای فریب: در خصوص معیار ارزیابی شدت دروغ و تأثیر آن بر قربانی، پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار با اتخاذ یک رویکرد تلفیقی، معیار شخصی و نوعی را در کنار هم در نظر بگیرد. به این ترتیب، اصل بر این خواهد بود که اگر فعل کلاهبردار بتواند یک فرد معمولی را فریب دهد، قربانی نیز فریب خورده است، مگر اینکه خلاف آن (یعنی بی‌احتیاطی قربانی) ثابت شود.



فهرست منابع

- أبو الروس، احمد بسيوني، (١٩٨٦). **جرائم النصب**. الإسكندرية: دار المطبوعات الجامعية.
- أبو خطوة، احمد شوقي عمر، (١٩٩٤). **شرح قانون العقوبات القسم الخاص**. القاهرة: دار النهضة العربية.
- احمد، عبد الرحيم توفيق، (٢٠٠٥). **الجرائم آلتى تقع على الأموال**. عمان: دار وائل للنشر.
- اعتمادى، امير، (١٤٠١). **جرائم مالى، جلد اول: كلاهبرداری و خیانت در امانت**. تهران: میزان.
- بارة، محمد رمضان، (١٩٩٣). **قانون العقوبات الليبى القسم الخاص جرائم الاعتداء على الأموال**. ٢ مج. ط. ٢ مصراتة: الدار الجماهيرية للنشر والتوزيع والإعلان.
- بارة، محمد رمضان، (١٩٩٧). **شرح القانون الجنائى الليبى الأحكام العامة**. طرابلس: المركز القومى للبحوث والدراسات العلمية.
- بكر، عبد المهيم، (١٩٧٧). **القسم الخاص فى قانون العقوبات**. القاهرة: دار النهضة العربية.
- الجبور، محمد، (١٩٩٧). **الجرائم الواقعة على الأموال فى القانون العقوبات الأردنى**. عمان: ب. ن.
- جعفر، على محمد، (٢٠٠٦). **قانون العقوبات القسم الخاص**. بيروت: المؤسسة الجامعية للدراسات والنشر والتوزيع.
- حبيب زاده، محمد جعفر، (١٣٧٤). **كلاهبرداری در حقوق ایران**. تهران: بنياد شهيد انقلاب اسلامى.
- حسنى، محمود نجيب، (١٩٧٢). **جرائم الاعتداء على الأموال فى قانون العقوبات اللبنانى**. بيروت: دار النهضة العربية.
- حسنى، محمود نجيب، (١٩٨٤). **جرائم الاعتداء على الأموال فى قانون العقوبات اللبنانى**. بيروت: دار النهضة العربية.
- سالارى، مهدى، (١٣٨٦). **كلاهبرداری و ارکان مشكله آن**. تهران: نشر میزان.
- سرور، احمد فتحى، (١٩٨٥). **الوسيط فى قانون العقوبات (القسم الخاص)**. ط. ٢ القاهرة: مطبعة جامعة القاهرة.
- سرور، طارق، (٢٠٠٣). **قانون العقوبات القسم الخاص**. القاهرة: دار النهضة العربية.
- السعيد، كامل، (١٩٩٣). **شرح قانون العقوبات الأردنى الجرائم الواقعة على الأموال**. عمان: مكتبة دار الثقافة للنشر والتوزيع.
- السنهورى، عبد الرزاق احمد، (١٩٩٨). **الوسيط فى شرح القانون المدنى الجديد**. بيروت. منشورات الحلبي الحقوقية.
- الشواربى، عبد الحميد، (١٩٩٠). **جريمة النصب فى ضوء القضاء والفقه**. الإسكندرية: مؤسسة شباب الجامعة للطباعة والنشر.
- الصفى، عبد الفتاح مصطفى، (١٩٧٢). **قانون العقوبات اللبنانى جرائم الاعتداء على امن الدولة وعلى الأموال**. ب. م.
- عبد الستار، فوزية، (١٩٨٢). **القسم الخاص فى قانون العقوبات**. بيروت: دار النهضة العربية.

- عبد الستار، فوزية، (بی‌تا). **شرح قانون العقوبات القسم الخاص**. عبيد، رؤوف، (١٩٦٠). **جرائم الاعتداء على الأشخاص والأموال في القانون المصري**. ط ٤. القاهرة: مطبعة نهضة مصر.
- عثمان، آمال عبد الرحيم، (١٩٧٤). **شرح قانون العقوبات (القسم الخاص)**. مصر: دار النهضة العربية.
- العمروسي، أنور، (١٩٩٩). **الملكية وأسباب كسبها**. بم. دار محمود للنشر والتوزيع.
- قانون الجزاء العماني، (١٩٧٤). رقم ٧.
- قانون العقوبات الأردني، (١٩٦٠). رقم ١٦.
- قانون العقوبات الجزائري، (١٩٦٦). رقم ١٥٦ - ٦٦.
- قانون العقوبات السوري، (١٩٤٩). رقم ١٤٨.
- قانون العقوبات العراقي رقم، (١٩٦٩). رقم ١١١.
- قانون العقوبات اللبناني، (١٩٤٣). بی‌جا.
- قانون العقوبات الليبي.
- قانون العقوبات المصري، (١٩٣٧). رقم ٥٨.
- قانون مجازات اسلامی ایران، (١٣٧٥). کتاب پنجم - تعزیرات مصوب.
- القهوجي، على عبد القادر، (١٩٨٢). **قانون العقوبات اللبناني القسم الخاص**.
- القهوجي، على عبد القادر؛ الشاذلي، فتوح عبد الله، (٢٠٠٣). **شرح قانون العقوبات القسم الخاص**.
- الکرد، سالم احمد، (٢٠٠٠). **محاضرات في قانون العقوبات القسم الخاص**. غرة: جامعة الأزهر.
- گلدوزيان، ايرج، (١٣٨٦). **حقوق جزا اختصاصی، جرائم عليه تمامیت جسمانی**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- المرصفاوي، حسن صادق، (١٩٧٨). **قانون العقوبات الخاص**. الإسكندرية. منشأة المعارف.
- مصطفى، محمود محمود، (١٩٧٥). **شرح قانون العقوبات (القسم الخاص)**. ط ٧. بم. مطبعة جامعة القاهرة.
- المعاني، عادل عبد إبراهيم، (بی‌تا). **جرائم الاعتداء على الأموال في قانون العقوبات**.
- مير محمد صادقي، حسين، (١٣٨٥). **حقوق کیفری اختصاصی، جرائم عليه اموال و مالکیت (جاب چهاردهم)**. تهران: نشر میزان.
- نجم، محمد صبحی، (١٩٩٦). **قانون العقوبات النظرية العامة للجريمة**. عمان: مكتبة دار الثقافة للنشر والتوزيع.
- نقض فرنسی، (٢٢/١٠/١٩٥٥). مجلة العلوم الجنائية.
- نقض مصري، (١٩/١١/١٩٥٥). مجموعة القواعد القانونية.
- نمور، محمد سعيد، (٢٠٠٧). **شرح قانون العقوبات القسم الخاص**. عمان: دار الثقافة للنشر والتوزيع.
- وزير، عبد العظيم مرسى، (١٩٩٣). **شرح قانون العقوبات**. دار النهضة العربية.